

بیابان گرد

بیابان با وجودِ تو برای ما بیابان نیست
کسی که با تو می‌آید سفر، دیگر پَریشان نیست
کنارِ تو کسی دِلِواپسِ خارِ مُغیلان نیست
بیابان گردِمان گردی، ولی زینب پَشیمان نیست

(اگر در به درِ کوه و بیابانم گنی، عشق است) ۲
اگر زخمی صد خارِ مُغیلانم گنی، عشق است
پَریشانم گنی، عشق است
حیرانم گنی، عشق است

اگر دُنبالِ مَعشوق است دل، دُنبالِ سامان نیست
بیابان گردِمان گردی، ولی زینب پَشیمان نیست

(بِه پا بر زمین، این خاک‌ها مُشتاق و لَبریزند) ۲
تَمامِ دُخترانِ یکِ یک، مژه بر پات می‌ریزند
نَباید هم به مِهمان داری‌ات این قوم بَرخیزند

چرا که خَلق می‌دانند صاحبِ خانه مِهمان نیست
بیابان گردِمان گردی، ولی زینب پَشیمان نیست

میانِ کاروانِ تو ندیدم غیرِ زیبایی
جَوانانِ رَشید و نونَه‌الانِ تَماشایی
به هَمَره بارِ گل آورده‌ام آن هم چه گل‌هایی

غَلَطِ گفته هر آن که گفته این صَحرا گِلستان نیست
بیابان گردِمان گردی، ولی زینب پَشیمان نیست

چه خوشبخت است طفلی که به خُلُقِومَش نِگات اُفتد
چه خوشبخت است آن کس که رویِ نَعَشِش عَبات اُفتد
یکی بَالَب، یکی با دل، یکی با سَر به پات اُفتد

دلِ سُلطانِ عَالَم را به دست اُوردَن آسان نیست
(بیابان گردِمان گردی) ۲، ولی زینب پَشیمان نیست